

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

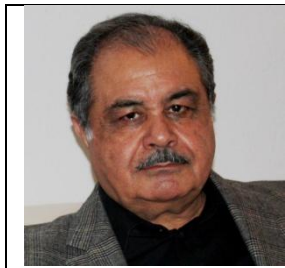
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي و نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر: 10 اکتوبر 2015 م

زبان دری از گفتار تا نوشتار

بخش «یکم»

از دشواریهای زبانها یکی نابرابری کما بیش گفتار و نوشتار است. در زبان دری این مشکل چند برابر است. از الفبی که بیاغازیم، به گونهٔ مثال این سه گرافیم یا سه حرف: ث، س و ص و د و حرف ط و ت را همگون تلفظ می کنیم حال آنکه در گفتار عرب ادای این حرفها از هم جدا و واضح است. بنابراین بسا وقتها بین صواب ضد خطا و ثواب ضد گناه درنوشتن اشتباه می شود.

همچنان ثمر به معنای حاصل و سمر به معنای افسانه را اشتباهی به کار می برند. اطلال با طوی ویرانه ها معنا دارد و اتلال با تی کوه ها و کوه بچه ها را می گویند. همچنین حرفهای ض، ظ، ذ، ز در زبان دری هم آوا اند یا تلفظ یکسان دارند. و بنابراین شکرگزاری، شکر گذاری می شود.

درحالی که نخستین ادای شکر و دومین ترک شکر است. گورستان را حظیره می گویند که در اعلانهای تعزیه اکثر بین ه و ح و ض و ظ اشتباه می شود. برای پرهیز از خطا درچنین موردها می باید بر صورتهای نوشتاری باریکبین بود. دربارهٔ مبانی نوشتار دری چیزهایی نوشته شده است. من در این جا بر دوسه بایستهٔ عام انگشت می گذارم:

پساوندها و پیشاوندها که خود معنایی ندارند تا جای ممکن، باید پیوسته نوشته شوند. مانند تر درخوبتر، ناک در طربناک، گر در صورتگر، ین در راستین، زار در نیزار، ستان در گلستان، ها در کتابها، آن در درختان و بی در بیهوده، دش در دشمن، یل در بلکامه. می و به همیشه جدا نوشته شوند. می دانم، می خواند، می روم و می آیم. به خانه، به صحرا، بی تاکید، نون نفی و میم نهی همیشه پیوسته نوشته شوند، مانند: بیامد، نیامد و میا، بیازار، نیازرد و میازار.

غناي زبان گفتار گواهان زیادی دارد، یک از آن شمارکاربردپیرو مهمل یا تابع محمل است که در گفتار بیش و در نوشتار اندک هست، مانند: کتاب متاب، قلم ملم، پاکت ماکت. و اگر واژهٔ اصلی با میم شروع شود پیرو مهمل با پی شروع می شود. میوه پیوه، مشوره پشوره، مگس پگس. پیرو مهمل با

دو ارزش در زبان چیرگی و همه پسندی یافته است :
یکی کنار هم آمدن واژه های هموزن سخن را اندکی آهنگین می سازد . دیگر بسا چیزهای گفتنی گفته نشده را در ذهن شنونده روشن می کند . به کودک بگوئید که کتابت را بگیر و بیا ! او تنها کتاب خود را گرفته می آید . و اگر بگوئید : کتاب متابت را بگیر و بیا ! در آن صورت با کتاب و قلم و حتا بکس کتابها و یگان کتابچه و چیز های کار آمد برای درس می آید و پس همان « متاب » همه چیزهای بیش از کتاب و نزدیک با آن را دربر دارد .
قیاس یا شبیه سازی برخاسته از همان میلان موسیقایی در زبان است که گاهی بار آور اشتباه نیز بوده است، مانند :

انسانیت که اسلامیت به آن قیاس شده است حال آن که اسلام بدون یت همان معنا را دربردارد ،
صحتمندی و سلامتی که سلامت بدون « ی » تندرستی معنا دارد و هلاک بفتح « هی » که مشهور است و هلاکونیز به فتح « هی » تلفظ می شود ، حال آن که هلاکو به ضم « هی » است .
وسومین عرصه نگرش به خوش آهنگی را در ترکیبهای عطفی می یابیم که دو واژه با یک حرف آغاز مییابند . و این گونه کاربرد واژه هارا در بلاغت اروپایی کانسوناتس نامیده اند . درنوشتن ترکیبهای عطفی نوشتن با واو و بدون واو هر دو را پذیرفته اند، به این نمونه ها بنگرید :
جستجو ، گفتگو ، تروتازه ، تک و تنها ، لنگ و لاش ، خورد و خمیر ، کندوکاو و دیگر .
درکتب دستور زبان دری تنها ازدوگونه نشانه جمع سخن می رود مگر در زبان گفتار و نوشتار جمع های باین ، ات (وجات) و جمعهای مکسر یا شکسته مانند :
مکاتب ، مکاتب ، البسه ، طُرق (جمع طریق) ، دروس ، اخبار نیز هستند که هر نمونه بی دهها هم خانواده دارد که در یکی از بخشهای آینده سخن خواهیم داشت .
زبان گفتار معیار و اصل است و نوشته نگاره یا تصویر زبان گفتار است . کارکنان عرصهای نطق و سخنرانی راپرسشهایی هست که نخست با نون پیش دار درست است یا با نون زبرداری . ببینید چه دشوار است که این بحث را بدون حرکتها که زبان دری از نبود آنها کاهشناک است پیش ببریم .
از حرکتها کار باید گرفت :

نُخست درست است یا نُخست ، پدر درست است یا پدر ؟ در زبان دری پدر و نُخست پذیرفته شده است .
درچنین موردها درست و نادرست نمی توان گفت بل که کدام پسندیده ، پذیرفته ، معمول و مروج یا بهتر است . جناب بگوئیم یا جناب ، این واژه به صورتهای جناب ، جناب و جناب معنای گوناگون دارند . مگردر زبان دری جناب به معنایی آقا رواج دارد که قابل تایید است .
دشوار و دشوار هر دو رواج دارد که ما دشوار می گوئیم ، مانعی ندارد . مذاکره ، مقابله ، ملاحظه ،
مداخله مناقشه ، مشاجره که با کسره حرف چهارم رواج دارد پذیرفتنی است با آن وصف که در عربی با فتح حرف چهارم مستعمل است .

در مورد مصور و مصور ، نخستین نگارگر معنا دارد و دومین نقاشی شده . مروج ، رواج دهنده و مروج ، رواج یافته و مرتب ، ترتیب دهنده و مرتب دارای نظم و ترتیب و مورخ تاریخ نویس و مورخ دارای تاریخ ، احیا زنده کردن و احیا زندگان ، اعمال به کار بستن و اعمال عملها و کارها ، اخبار آگاه کردن و اخبار جمع خبر ، انعام بخشش و انعام چهارپایان ، می باید فرق را در نظر داشت .
اکنون حرکتها : زبر ، زیر ، پیش و شد در زبان ، بنابر نیازمندیهایی ، اندک اندک راه یافته اند که در جاهای لازم و از روی نیازمندی خوب است بکار بروند ، تا بی تامل خوانده شود که اعلام است یا اعلام ، اخبار است یا اخبار ، اعمال است یا اعمال ، احیاست یا احیا ، مهر است یا مهر یا مهر . سر است یا سر یا سر . می گویند که از جمله فهمیده می شود ، می گوئیم چه زیان دارد که پیش از جمله فهمیده شود .

ادامه دارد

داکتر اسد الله « حبیب »

www.said-afghani.org بازگشت به صفحه اصلی